رسانه و سینما

سفر به شهر دیجیتال ۱۶
درباره فعالیت‌های گروه ریدیوهد .. ۱۷

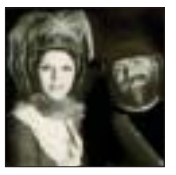

ادبیات و کتاب

گفت‌وگو با سیدایرج سعیدی ... ۱۸
من افیلیا هستم، بدرود ۱۹

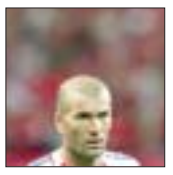

حکمت و اندیشه

احساس گناه و وفاداری به میل ... ۲۰
سه دقیقه اول، مسئله این است .. ۲۱

تاریخ مشروطه

کودتا در کشور همسایه ۲۲

روباه دم‌بریده

گفت‌وگو با علی بوذری تصویرگر کتاب کودک

نلی محجوب: علی بوذری متولد ۱۳۵۷ و فارغ‌التحصیل در کارشناسی ارشد رشته گرافیک و تصویرسازی از دانشگاه هنر است.

بوذری تاکنون در نمایشگاه‌های داخلی و خارجی گوناگون از جمله پنجمین دوسالانه تصویرگران تهران (۱۳۸۰)، نمایشگاه تصویرسازی قصص قرآنی (۱۳۸۲)، Figure Future (۲۰۰۴)، تت ریو (۲۰۰۴) و... شرکت کرده است. وی که امسال تصویرسازی‌های کتاب «روباه دم‌بریده»اش در نمایشگاه تصویرگران بولونیا حضور داشت، اکنون به عنوان تصویرگر و پژوهشگر مشغول به کار است.

■■■

حضور تصویرگران ایرانی در نمایشگاه بولونیا و موفقیت آنها در سطوح جهانی در سال‌های اخیر سبب شد تا با یکی از تصویرگران حاضر در این نمایشگاه به گفت‌وگو بنشینیم. حضور این تصویرگران شاید نه به عنوان پدیده‌ای نوظهور بلکه اوج درخشش دیگری از تاریخ تصویرگری ایران است. گرچه، نقطه شروع تصویرگری مدرن ایران را اواسط دوره قاجار و همزمان با ورود صنعت چاپ به ایران می‌دانند اما بوذری معتقد است شاید گزاف نباشد اگر تاریخ نقاشی ایرانی را نیز تاریخ تصویرگری بدانیم و می‌افزاید: در واقع آنچه ما به عنوان هنر نقاشی ایرانی می‌شناسیم، همان تصویرگری کتب و نسخ خطی است و نقاشی ایرانی نیز همواره در کنار متون ادبی و در لابه‌لای صفحات کتب خطی، امکان ظهور یافته است. تصویرگری امروز ایران هم ادامه همین روند است. روندی که شاید در مقاطع زمانی مختلف به دلایل گوناگون از جمله کم شدن حمایت سیاستگزاران هنری به کندی به حرکت خود ادامه داده، ولی هرگز از پویایی بازنایستاده است.

بوذری در ادامه صحبت‌ها می‌گوید: شاید موفقیت‌های اخیر تصویرگران ایرانی را بتوان در روی کار آمدن برخی ناشران و نهادهای توانا و خوش‌فکری دانست که از طرفی زمینه شکوفایی نیروهای بالقوه هنرمندان تصویرگر را فراهم کرده‌اند و از سوی دیگر، آثار آنان را در عرصه رقابت جهانی شرکت داده‌اند.

هرچند به‌نظر می‌رسد تصویرسازی، هنری است که از طرفی ویژگی‌های مشترکی با نقاشی دارد- به شکلی که گاهی سبک‌بندی‌های هنر نقاشی را در مورد تصویرسازی نیز به کار می‌برند- از طرف دیگر با هنر طراحی گرافیک، مسائل نشر و... در ارتباط است. بوذری ویژگی‌های یک تصویرگر را اینگونه برمی‌شمرد. تصویرگر باید مانند یک نقاش مهارت‌هایی در زمینه طراحی، رنگ‌گذاری، ترکیب‌بندی و... داشته باشد. و علاوه بر این باید در قالبی که عواملی چون گروه سنی مخاطب، گونه ادبی داستان، ابعاد تصویر و... ایجاد کرده است تصویرسازی خود را ارائه دهد. اما در ادامه به تفاوت کار یک نقاش و تصویرگر کتاب می‌رسد: «نقاش می‌تواند تابلویی خلق کند که برحسب ذوق و سلیقه‌اش باشد، بدون اینکه نگران درک اثر از سوی مخاطب باشد. تصویرگر ناچار است به مسائل زیادی از جمله مسئله تعلیم و تربیت و روان‌شناسی رشد کودک و.... توجه کند.

گاهی عدم توجه برخی از تصویرگران به این نکات باعث می‌شود در حالی که متن کتاب و تصویرسازی‌ها هرکدام به تنهایی در نهایت زیبایی و کمال هستند، در کنار هم در تقابل با مخاطب بیگانه و نامانوس جلوه کنند.»

بوذری که امسال تصویرسازی‌هایش در کتاب «روباه دم‌بریده» جزء آثار برگزیده نمایشگاه بلونیا بوده است، از ویژگی‌های این اثر می‌گوید: «روباه دم‌بریده بازآفرینی یک افسانه جانوری عامیانه به قلم جمال‌الدین اکرمی است. شخصیت اصلی داستان، روباهی است که دمش را به‌خاطر دزدی شیر بز یک پیرزن، از دست می‌دهد. بعد از آن به شخصیت‌های گوناگون داستان، شخصیت گیاهی، انسانی، پدیده طبیعی و... مراجعه می‌کند تا بتواند دمش را پس بگیرد. صفات انسانی‌ای که نویسنده برای شخصیت‌های گوناگون داستان ذکر می‌کند در تصاویر نیز مدنظر بوده است. برای مثال روباه حرکات انسانی دارد. از وسایل مختص انسان از جمله دوچرخه استفاده می‌کند. از آنجا که در تمام مراحل مختلف داستان، از عجز روباه برای به دست آوردن دمش صحبت می‌شود، عجزی که روباه را ناچار می‌کند از شخص دیگری کمک بخواهد، فضاهای تصویری نیز به‌گونه‌ای است که روباه را با ابعاد کوچک در مقابل توده بزرگ شخصیت مخاطب روباه قرار می‌دهد. در صحنه آخر همزمان با گره‌گشایی داستان، در تصویر نیز روباه و دمش را به عنوان عنصر غالب می‌بینیم.»

بوذری در زمینه تکنیک کار ادامه می‌دهد: تکنیک تصاویر چاپ لینو (Lino cut) است که باعث شده تصاویر جزئیات کمتری داشته باشند و در برخی موارد انتزاعی شود. اما نباید از این مهم غافل بود که در گروه‌های سنی پایین جزئیات تصویر کمرنگ‌تر می‌شود و درک مفاهیم انتزاعی توسط این مخاطبان مشکل‌تر می‌شود. وی با اشاره به چگونگی درک و تجربه کودکان در این مورد می‌گوید: گروه‌های سنی پایین‌تر تجربه کمتری از جهان دارند. بنابراین باید تصاویر ساده‌تری را برایشان ارائه کرد که قابل درک باشد، شاید در این گروه‌های سنی درک چنین مفاهیمی دشوارتر باشد. اما درک بچه‌ها از تصاویر به تجربه آنها و نوع تربیت محیط و پرورش آنها بستگی دارد. بنابراین بچه‌ها تجربیات متفاوتی از جهان پیرامونشان خواهند داشت.

نکته‌ای را که باید در تصویرگری مورد نظر قرار داد توجه به گروه‌های سنی است. برخی از تصویرگران و حتی آنانی که نام و آوازه‌ای نیز دارند کمتر به گروه سنی توجه می‌کنند در حالی که این نکته که تصویرگری را برای چه نوع مخاطبی انجام می‌دهند حائز اهمیت است خصوصاً اینکه یک کتاب به نقاط مختلف کشور سفر می‌کند و به دست مخاطبان با دیدگاه‌ها و ذهنیت‌های مختلفی می‌رسد. بوذری در زمینه انتخاب مخاطب معتقد است باید یک حد وسطی را در هر گروه سنی مخاطب در نظر گرفت و می‌افزاید باید مخاطب عام را در نظر گرفت و باید برای ارائه مفاهیم و لایه‌های تصویر به یک میانگین توجه داشت زیرا مخاطبان کم‌توان ذهنی هم مخاطب اثر هستند و حتی بچه‌های تیزهوش، بچه‌های شهری، بچه‌های روستایی و هربچه‌ای که این کتاب در اختیار او قرار می‌گیرد پس یک حداقلی را باید در تصویرگری در نظر داشت.

جالب آنکه نخستین چیزی که در یک کتاب توجه کودک را جلب می‌کند تصویر است و بوذری در این خصوص می‌گوید: «کودکان در سنین پایین‌تر دقت بیشتری در تصاویر دارند، پرسش‌هایی را مطرح می‌کنند و حتی با پاسخ والدین مجاب نمی‌شوند. بنابراین در ارائه واقعیت تصاویر در این گروه سنی باید دقت داشت تا آنها احساس فریب‌خوردگی نداشته باشند. زیرا وقتی تصویر و متن هماهنگ نباشد این احساس به وجود می‌آید. البته این جذابیت تصویر در نوجوانان کمتر است و این گونه حساسیت‌ها در کارهای این مخاطبان کمتر حس می‌شود اما در گروه‌های سنی پایین‌تر تصویر یکی از فاکتورهای اصلی است و حتی این تصاویر در ذهن کودک می‌نشیند و گاه هیچ‌وقت فراموش نمی‌شود و به گونه‌ای حک می‌شود.»

وی در همین جا به موضوع مهم دیگری نیز اشاره دارد و آن ارتباط متن و تصویر است.

وی با اشاره به اینکه متن‌ها و تصاویر گروه سنی پایین معمولاً از سادگی بیشتری برخوردار است به نقش تصویرگر در انتقال پیام اشاره می‌کند: باید تصویر و متن هدفمند باشند و در یک راستا حرکت کنند و چه بهتر اینکه تصویرگر و داستان‌نویس یا شاعر جلساتی را با هم داشته باشند. گاه دیده می‌شود، برخی از متن‌ها بدون تصویر ناقص به نظر می‌رسند و اینها مکمل یکدیگرند که خود نشان‌دهنده ارتباط تصویرگر با خالق آن متن بوده است. در حقیقت همین ویژگی‌ها است که مرز فعالیت یک تصویرگر و نقاش را به وجود می‌آورد؛ زیرا تصویرگر علاوه بر دانش مبنای هنرهای تجسمی و نقاشی باید مخاطب خود را بشناسد.

همانطور که نویسنده مسئولیتی در قبال مخاطب خود دارد تصویرگر هم از این مقوله مستثنی نیست و چه بهتر که به مفاهیم و مبانی رشد کودک و روانشناسی کودک آگاهی داشته باشد، چون کتاب‌های خوب همانقدر که مفید هستند و در رشد و پیشرفت کودک نقش‌های اصلی را ایفا می‌کنند یک سری از کتاب‌ها می‌توانند تاثیر منفی ایجاد کنند و سبب دوری کودک از کتاب شوند در این تاثیرگذاری تصویر نمی‌توان از رنگ غافل بود به ویژه در کتاب‌های مربوط به گروه‌های سنی پایین. بوذری می‌گوید: «نمی‌توانیم دستور خاصی ارائه دهیم اما رنگ‌های شارپ و درخشان بیشتر جواب می‌دهد حتی بچه‌ها در این سنین خودشان هم از رنگ‌های درخشان استفاده می‌کنند. در حقیقت با این کار یک کنتراست رنگی به وجود می‌آید که تشخیص فرم‌ها را راحت‌تر می‌کند. همانطور که این گروه‌های سنی تصاویر واضح‌تر را ترجیح می‌دهند. با این رنگ‌ها کنتراست فرم‌ها خود را بهتر نشان می‌دهند و بچه‌ها درک بهتری از تصاویر خواهند داشت.»

کتاب روباه دم‌بریده که برای گروه سنی ب و ج تصویرسازی شده و توسط انتشارات شباویز منتشر شده یکی از آثار راه‌یافته به نمایشگاه بولونیا بوده است که نمایشگاه سارمده ۲۰۰۶ هم راه یافته است.

■ بولونیا سنگ محکی برای آثار تصویرگران

بحثی که همیشه وجود دارد محک زدن آثار تصویرگران و چگونه محک زدن آنهاست عرصه‌های مختلفی برای محک زدن آثار تصویرگر وجود دارد که یکی از آنها دوسالانه نمایشگاه‌های گوناگون تصویرسازی از جمله نوما، براتیسلاوا، سارمده، بولونیا و... است. بیست و پنجمین دوره نمایشگاه تصویرگران بولونیا که دو ماه قبل در کشور ایتالیا برگزار شد یکی از آخرین رویدادهای این عرصه بود.

نمایشگاه کتاب بولونیا، امسال پذیرای ۱۲۰۰ ناشر از ۶۳ کشور جهان بود. علاوه بر این نمایندگانی از نمایشگاه تصویرگری سارمده (ایتالیا)، تت ریو (ایتالیا)، براتیسلاوا BIB چک‌واسلواکی و نهادهای فعال در زمینه کتاب کودک از جمله کتابخانه بین‌المللی مونیخ (آلمان) و IBBY (دفتر بین‌المللی کتاب برای نسل جوان [سوئیس]) هم در این نمایشگاه شرکت داشتند.

نمایشگاه تصویرگران بولونیا که هر ساله در جنب نمایشگاه کتاب برگزار می‌شود، فضای مناسبی برای گفت‌وگوی تصویرگران، ناشران، نویسندگان، آژانس‌های ادبی و... به وجود می‌آورد و فرصتی در اختیار همه دست‌اندرکاران ادبیات کودک قرار می‌دهد که با آخرین دستاوردهای این حوزه آشنا شوند. این نمایشگاه با همکاری چند نهاد هنری ژاپنی از جمله موزه هنر اتوباشی توکیو برگزار و پس از آن آثار به ژاپن فرستاده می‌شود و در چند شهر به نمایش گذاشته می‌شوند.

در بیست و پنجمین دوره این نمایشگاه ۲۵۴۴ هنرمند از ۵۹ کشور جهان شرکت کردند. ژاپن با بیشترین تعداد برگزیده (۲۵ برگزیده از ۵۹۱ شرکت‌کننده) در این نمایشگاه حضور داشت. پس از آن آلمان (با ۲ برگزیده از میان ۱۴۶ شرکت‌کننده)، ایتالیا (۱۶ برگزیده از ۹۵۵ شرکت‌کننده) و ایران (با ۷ برگزیده از میان ۷۰ شرکت‌کننده) در این نمایشگاه شرکت داشتند. هیات پنج‌نفره داوران متشکل از تصویرگر، ناشر، کارشناس ادبی، موزه‌دار و روانشناس قضاوت این نمایشگاه را بر عهده داشتند که هر یک از این افراد علاوه بر شغل اصلی خود، تجارب و مهارت‌هایی دیگر در زمینه کودکان را دارا هستند و از بسترهای فرهنگی، اجتماعی متفاوتی انتخاب شده‌اند. بدین ترتیب، دیدگاهی چندفرهنگی، همه‌جانبه و جهان‌شمول در انتخاب آثار وجود دارد.

نمایشگاه بولونیا هر ساله پذیرای آثار تصویرگران یک کشور به عنوان نمایشگاه مهمان در جنب نمایشگاه اصلی است. امسال کشور مجارستان با ۳۰ تصویرگر در این بخش حضور داشت و سال آینده نمایشگاه اختصاصی کشور بلژیک برگزار می‌شود. از دیگر برنامه‌های جنبی نمایشگاه تصویرگری بولونیا، سخنرانی‌ها و کنفرانس‌هایی است که در کافه تصویرگران برگزار می‌شود. معرفی آثار تصویرگران مجارستان، دلایل انتخاب آثار تصویرگری، برندگان و کاندیدهای جایزه بزرگ هانس کریستین اندرسن و... از جمله موضوعات مورد بحث کافه تصویرگران بود.

■ نمایشگاه‌های داخلی و نقش موثر آن بر تصویرگری ایرانی

آمار نشان می‌دهد، حمایت نمایشگاه‌ها و موزه‌های کشور ایتالیا و ژاپن از نمایشگاه تصویرگری باعث رشد چشمگیری از نظر کمی و کیفی تصویرگری در این کشورها شده است. در ایران، دوسالانه بین‌المللی تصویرگران تهران، در چند دوره فعالیت خود وظیفه‌ای چنین بر عهده داشته است. بسیاری از تصویرگران مطرح و معتبر این روزها برای اولین‌بار در پنجمین دوره این نمایشگاه معرفی شدند. اما در این میان نمایشگاه پراعتبار تصویرگری تهران، جای خود را به نمایشگاه‌ها و مسابقات کم‌اهمیت‌تری داده است و انجمن تصویرگران کتاب کودک، بنابر پاره‌ای مشکلات، نتوانسته است این دوسالانه را به شکل مستمر و منظم برگزار کند و این امر سبب شده تصویرگران مجال ظهور و نمود آثار خود را در نمایشگاه‌های خارجی بیابند. پدیده‌ای که کم‌کم باعث پدید آمدن تصویرگری غیربومی، سفارشی و تصنعی خواهد شد. به‌نظر می‌رسد اگر بخواهیم توجه مجامع جهانی به تصویرگری ایران، روندی مداوم و رو به رشد داشته باشد، باید نمایشگاه‌ها و حمایت‌های داخلی قوت بگیرند و در جهت تقویت و تشویق این نیروی بالقوه سمت و سویی پیدا کنند.

عکس: میلاد پیامی، شرق

تصویرسازی

رنگین‌کمانی بی‌غبار

نگاهی بر چهارمین نمایشگاه بین‌المللی نقاشی کودک تهران

هیربد کهن

چهارمین نمایشگاه بین‌المللی نقاشی کودکان تهران در حالی برگزار شد که شور و شوق و آرزوهای کودکان را یک جا در برابر دیدگان بازدیدکنندگان قرار داده و این مجال را فراهم آورده بود تا حرف‌های دل و صدای خنده‌هایشان را بشنویم. در این نقاشی‌ها که با موضوع آزاد و «سرزمین من و رنگین‌کمان» در مرکز آفرینش‌های فرهنگی و هنری کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان برگزار شد، بیش از پنج هزار کودک و نوجوان ایرانی و بچه‌های ۱۹ کشور جهان شرکت داشتند که هنرمند خردسال ایرانی نشان ویژه و سایر هنرمندان شرکت‌کننده کشورمان ۱۹ نشان طلا، ۴۱ نشان نقره و ۹۴ نشان برنز این رقابت‌ها را از آن خود کردند. پس از ایران کودکان ویتنامی با کسب یک نشان ویژه هیات داوران، ۸ نشان طلا، ۱۷ نشان نقره و ۲۷ نشان برنز با مجموع ۵۳ نشان در مقام دوم این رقابت‌ها قرار گرفتند و کشورهای لهستان و صربستان نیز به لحاظ کیفیت آثار، مقام سوم و چهارم مسابقات را به خود اختصاص دادند.

در این میان حضور گسترده کودکان افغان که بانشاط و هیجان نقاشی‌هایشان را به یکدیگر نشان می‌دادند چشمگیر بود که تنها کودکان غیرایرانی حاضر در مراسم بودند. افغانستان با بیش از ۹۰۰ اثر در مقام دوم کشورهای شرکت‌کننده قرار داشت اما نکته آنکه نقاشی این کودکان همه بر روی کاغذهای معمولی- نه مقوایی که شرط شرکت بود- کشیده شده بود که خود عامل تمایز آثار- قبل از محتوای آنها- بود. حاصل این حضور گسترده هم کسب ۳ نشان نقره و ۱۳ نشان برنز برای بچه‌های افغان بود. بررسی آثار که از خردادماه ۱۳۸۴ با اعلام فراخوان آغاز شد، در دی‌ماه با داوری آثار پایان یافت و سرانجام در مراسم یازدهم تیرماه ۱۳۸۵ با اهدای جوایز در مرکز آفرینش‌های فرهنگی هنری کانون با تعداد کثیری از کودکان و نوجوانانی که با والدین خود در مراسم حضور داشتند پایان یافت. مجموعه فعالیت‌های داوری جشنواره که در دو گروه انتخاب و داوری نهایی انجام گرفته بود سرانجام از میان ۵۴۰۰ اثر- ۱۹۰۰ اثر از میان کشورهای جهان و ۳۵۰۰ اثر از ایران- ۷۰۰ اثر انتخاب شد و ۳۱۷ اثر در داوری نهایی در دو بخش آثار برتر و آثار لایق لوح و جایزه برگزیده شدند و در مجموع ۴۰ اثر نشان طلا، ۹۳ اثر نشان نقره و ۱۸۳ اثر نشان برنز دریافت کردند که در این میان آثار مهران رادپور کودک ایرانی و دو ترانگ دوک کودک ویتنامی که به عنوان جایزه ویژه هیات داوران انتخاب شده بودند به صورت حجمی در داخل نمایشگاه در معرض دید علاقه‌مندان قرار گرفت.

محمدعلی کشاورز، سیدمهدی صالح مجتهد، ایرج داداشی و محمدحسین صلواتیان از ایران و لیندا ولفر گروبر از اتریش که داوری جشنواره را بر عهده داشتند در بیانیه نهایی خود به مربیان و معلمان هنر توصیه کردند تا در جهت کشف و رشد خلاقیت کودکان و نوجوانان تلاش کنند و آنها را با شیوه‌های غیرمستقیم با استعدادهایشان آشنا ساخته و فرصت بازشناسی قوای پنهان‌شان را فراهم نمایند تا با اتکا به این ظرفیت‌ها به خلق آثار هنری دست بزنند.

محمدعلی کشاورز- از داوران جشنواره- در زمینه کارهای حاضر در جشنواره اظهار داشت: با آنکه در میان کارها آثار برجسته به چشم می‌خورد در بسیاری از آثار طرح‌ها و موضوعات با رنگ‌های به کار گرفته شده هماهنگی داشت و درک و فهم کودکان در آن دیده می‌شد.

اما در برخی از آثار یک‌دستی تکنیک و نوع طراحی و آناتومی و ترکیب‌بندی کاملاً تحت تاثیر مربیان بوده است و حتی در تعدادی از آثار مربیان دستی در کار داشته‌اند و گاه نظمی متفکرانه و با تامل که با حرکت دست و تعقل خالقان آثار سنخیت ندارد به چشم می‌خورد که به نوعی آگاهی و اشراف بزرگسالانه را القا می‌کند. ما هم سعی کردیم در داوری به همه این معیارها و نکته‌ها توجه کنیم.

کشاورز در خصوص معیارهای داوری آثار افزود: سعی کرده‌ایم که خالص و ناب بودن اثر را مدنظر داشته باشیم و اندیشه صادقانه کودک مبنای خلق اثر باشد؛ اندیشه‌ای مبرا از تاثیرات عملی مربی که با نگاه ویژه و خالص به موضوع بوده. نقاشی‌هایی که در آنها اشکال و فرم‌ها درست به کار گرفته شده باشند و وانمایی مناسب از فرهنگ بومی در نقاشی و انتخاب تکنیک و شیوه مناسب با موضوع انتخابی را مدنظر قرار داده‌ایم.

وی در ادامه در خصوص تقسیم‌بندی سنی شرکت‌کنندگان در سه گروه افزود: این تقسیم‌بندی سبب شد تا داوری به واقعیت نزدیک‌تر باشد، کودکان ۸ تا ۴ سال، ۹ تا ۱۲ سال و ۱۳ تا ۱۵ سال.

همچنین داوران جشنواره در بیانیه خود با تاکید بر ویژگی‌های نقاشی کودکان بر شادمانی و نشاط رنگ‌ها، آزادی فرم‌ها و به‌کارگیری بی‌محابای قلم و رنگ در بعضی آثار اشاره داشتند. داوران در ادامه این بیانیه آورده‌اند که این چنین آثاری قدرت شجاعت هنرمندان بنام و طراز اول را به ذهن متبادر و شادابی روحی و آزادی رفتار نقاشان خردسال را تداعی می‌کند، گویی آنها هیچ دغدغه و نگرانی و التهابی ندارند و به دور از هرگونه تحمیل و الگوی دیکته‌شده‌ای نقاشی کرده‌اند. آنان همچنین اظهار امیدواری کرده‌اند که برگزاری این مسابقه اسباب تعامل دل‌های پاکی را فراهم آورده که رنگین‌کمان را بی‌غبار ببینند و بی‌حجاب در معرض چشمان باران‌خورده دیگران قرار دهند. به هر تقدیر می‌توان امیدوار بود که جشنواره‌هایی از این دست محملی باشد برای بیان زبان و اندیشه مشترک میان کودکان جهان.